

شهید علیرضا بحرینی



ازتبار علی

سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	عبدالله
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۹/۱۳
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۰۴/۱۴
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	سرباز زمینی ارتش
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بوشهر

زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه : شهید علیرضا بحرینی

در روز سیزدهم آذرماه سال هزار و سیصد و چهل و دو در خانواده ای متدین و مذهبی بدینا آمد که والدینش او را علیرضا نام نهادند شهید علیرضا تا سن هفت سالگی در دامن پدر و مادر تربیت را آموخت در سن هفت سالگی به دبستان گذاشت و تا کلاس دوم و در دبستان لیل تحصیل کرد و بعد بجهت اینکه خانواده اش مجبور به انقلاب خود شده بودند به شهر بوشهر آمدند و در دبستان فخر دائی سنگی به ادامه تحصیل پرداخت .

شهید علیرضا از همان اوان کودکی علاقه عجیبی به اسلام داشت و به اسلام عشق می ورزید و علاقه وافری به نماز مخصوصاً نماز جماعت داشت و همیشه در نماز جماعت شرکت می کرد او در تمام مراسم مذهبی شرکت فعال داشت بعد از پایان تحصیلات ابتدائی به مدرسه راهنمایی ۲۲ بهمن رفت و دوره راهنمایی را در آنجا به اتمام رساند . بعد از دوم راهنمایی که مصادف با اوج گیری انقلاب اسلامی بود در تمام مراسم ها و تظاهرات شرکت فعال داشت با پیروزی انقلاب اسلامی به پاسداری از انقلاب اسلامی می پرداخت و شب ها با بقیه همزمانش که اکنون تعدادی از آنان به شهادت رسیده اند به گشت زنی در کوچه های محل پرداختند با تشکیل بسیج سپاه و مقاومت های محلات به آنان پیوست تا از انقلابی که ثمره خون هزاران شهید گلگون گفن بود پاسداری نماید.

شهید علیرضا عاشق امام زمان بود و در جشنهای نیمه شعبان فعالانه شرکت می گذرد و همیشه دلش می خواست که این مراسم به نحو احسن برگزار شود با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و برای دفاع از خاک میهن اسلامی و رفتن به جبهه آرام و قرار نداشت و همیشه آرزوی رفتن به جبهه را داشت تا اینکه بعد از طی آموزش چهل روزه در اصفهان در تاریخ ۶۰/۹/۲۷ از طرف بسیج سپاه به جبهه اعزام شد و مدت سه ماه در جبهه چزابه بود که بعد از سه ماه به خانه برگشت و بعد از آن جهت خدمت مقدس سربازی به تاریخ ۶۱/۸/۱۸ به خدمت اعزام شد و در این مدت سربازی چندین بار به جبهه رفت شهید علیرضا عاشق جبهه بود و همیشه آرزو داشت که در جبهه باشد. بعد از اتمام مدت خدمت سربازی دوره احتیاط آغاز شد که او به گردان قدس پیوست و عضو گروهان حزب اله شد و با اینکه به او پیشنهاد کرده بودند در محل دیگری غیر از جبهه باشد ولی او نپذیرفته و خود داوطلبانه تقاضای شرکت در جبهه را می نماید و بعد از مدت زیادی که در جزیره مجنون بود در تاریخ ۶۳/۴/۱۴ به آرزوی خود که تقرب به درگاه الهی بود رسید و به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد

وصیت نامه

بسمه تعالی

وصیت نامه شهید علی رضا بحرینی

با دورد بر امام عصر و نائب برحقش پیر نشسته جماران و ابراهیم زمان در هم کوبنده کاخ مستکبران ، حامی رزمندگان عزیز در اصل به اهتزاز در آوردن پرچم صاحب الزمان (عج) و با درود و سلام به رزمندگان اسلام که فداکاریهای خود را فای این انقلاب و اسلام عزیز می کنند وبا دورد و سلام به شهیدان بخون خفته.

اینجانب سرباز وظیفه علیرضا بحرینی عضو گردان جندالله وصیت نامه خود را شروع می کنم . امروز روزی است که قیام پیامبر اسلام و حسین (ع) توسط روح خدا خمینی بت شکن تجدید گشته است . و اینجانب بر حسب وظیفه شرعی که دارم و می بینم که جنگ بین دو جناح حق و باطل درگیر است . به (هل من ناصرینصرنی) حسین (ع) و فرزنداش امام خمینی لبیک گفته ، گرچه کوچکتر از آنم که بخواهم ادعای پیروی از مکتب حسین (ع) کنم ولی این انتخاب عالی را میپذیرم تا رستگار شوم من نمی دانم عازم کدام جبهه هستم ولی انشاءالله به هر جبهه ای که بروم هدفم بر چیدن کفر است . هدفم بر علیه آنهایی است که در مقابل اسلام و قرآن و انقلاب می باشند . من تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خونم از اسلام در جبهه دفاع خواهم کرد چون این سخن رهبر عظیم الشان حضرت امام خمینی را فراموش نکردم که فرموده ملتی که از شهادت ترسی ندارد پیروز است . کسی از شهادت مکتب اوست ترسی ندارد . و اما سخنی با خانواده ام و سلام به تو ای پدر مهربانم به تو ای مادر مهربانم . که برای من بیخوابی کشیدید . مادر مرا ببخش از اینکه نامه ام خون آلود است . زیرا چیزی که باعث نوشتن این نامه شد یک تکه چوب و مقداری از خون جوانان تیر خورده در روی دشت و بیابان سربفک کشید می باشد . نوشته شده است . مادر امیدوارم من را ببخشی چون حقی که بر تو برگردن من داری هیچکس دیگر ندارد . سلام بر تو ای خواهر مهربانم امیدوارم که همچون بانوی صدر اسلامی به اسلامی و مسلمین خدمت کنی و سلام بر شما برادران خوب و مهربانم شما هم امید است مرا ببخشید . و سلام بر شما فامیل هایی از مادر و پدرم و تمامی آشنایان و دوستان هلالی و بوشهری امید است شما هم به نوبت مرا ببخشید در آخر از شما ملت حزب الله می خواهم که دعا برای امام را فراموش نکنید . در ضمن مقداری پولی که در بانک دارم مادرم آنرا نزد امام جمعه ببرند تا برای رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل مصرف شود و جنازه ام را در بهشت صادق دفن نمایند .

والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

بنده حقیر خدا سرباز کوچک اسلام علیرضا بحرینی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران